

شورای عالی حوزه های علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران  
مدرسه علمیه ریحانه اصفهان

امام صادق (علیه السلام) الگویی ناب و معلمی نمونه

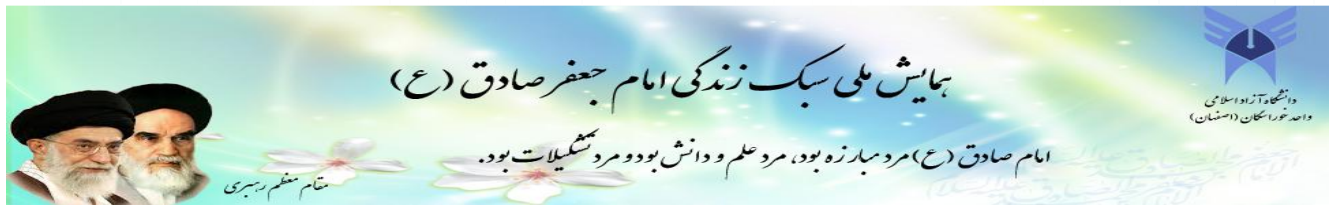
تهیه و تنظیم:

زهرا قمشه دستجردی

۹۱۱۲۲۰۱۱۹۹

زمستان ۱۳۹۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
وَعَلٰى اٰلِہٖ وَسَلَّمَ



## چکیده:

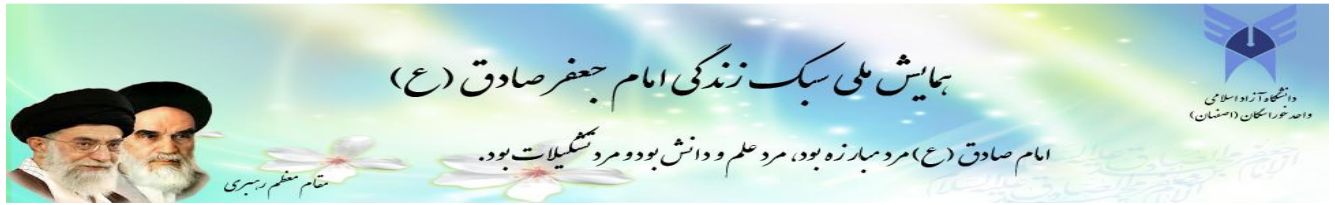
### امام صادق الگویی ناب و معلمی نمونه

#### زهرا قمشه دستجردی\*

گرایش به الگو و تأثیر پذیری از آن در امور مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله گرایش‌های فطری انسان است و فطرت کمال جوی انسان او را و می‌دارد تا برای رسیدن به هدف و کمال از بهترین الگوها استفاده کند.

از طرفی قرآن کریم، که کتاب هدایت و پاسخ‌گو به نیازها و خواسته‌های فطری انسان‌هاست، به نیاز مهم بشر (نیاز به الگو) پاسخ گفته است و پیامبران، پیشوایان معصوم: و اولیاء الهی را الگوی خوبی برای انسان‌ها معرفی کرده و تأکید فرموده که در تمام امور فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... از آن‌ها تأثیر و سرمشق بگیرند. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/ ۲۱) برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود...". پیامبر اکرم امامان معصوم: و اولیاء الهی در تمام زندگی، در روحيات عالی، شکیبایی، هوشیاری، صداقت، درایت، مدیریت، اخلاص، توجه به خدا، تسلط بر حوادث، تسلیم نشدن در برابر سختی‌ها و مشکلات، قیام در برابر ظلم و ستم، مبارزه با جهل و شرک و... سرمشق و الگوی خوبی هستند.

بنابراین، هر کس از این بزرگواران در امور مختلف و متعدد زندگی فردی و اجتماعی خود پیروی و الگو برداری کند، می‌تواند با توکل به خدا و استعانت از او در مراحل زندگی در دنیا و آخرت سرفراز باشد. از این رو مجموعه حاضر تلاشی جهت شناساندن ذره ای از دریای معارف و فضایل حضرت امام صادق علیه السلام و همچنین برخورد کریمانه ایشان با اصحاب و شاگردان و حتی کسانی که ایشان را نمی‌شناختند است به این امید که از ایشان و همچنین دیگر امامان معصوم که همگی مظهر علم و اخلاق و فضیلت بودند، در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی الگو بپذیریم انشاءالله. برای جمع آوری این مجموعه از روش کتاب خانه ای استفاده شده است. و با مراجعه به کتب و منابع دیجیتالی مطالب فیش برداری شده است.

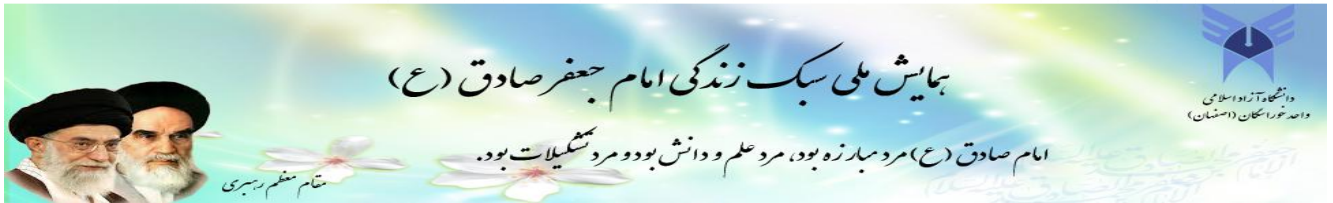


کلید وازگان: امام صادق علیه السلام، الگو پذیری، اخلاق

\*طلبه پایه دوم، مدرسه علمیه ریحانه

## فهرست مطالب :

صفحه	عنوان
۵	مقدمه.....
۶	ولادت نور.....
۷	محضر خدا.....
۷	روزه.....
۸	گذشت.....
۸	پرهیز از تشریفات.....
۹	کسب و کار.....
۹	علم و دانش.....
۱۰	لباس پوشیدن.....
۱۰	مهمان نوازی.....
۱۱	کمک به فقرا.....
۱۱	شمه ای از عبودیت امام.....
۱۲	بهترین معلم دنیا.....
۱۲	تشویق و تکریم شاگردان.....
۱۲	انس با شاگردان.....
۱۳	لباس کهنه.....
۱۴	به سخن آمدن گوشت تذکیه نشده.....
۱۴	فقط خدا.....
۱۵	کار و تلاش و دستگیری از مستمندان.....



- از غنا بهره‌یازید..... ۱۶.....
- بخشش و سخاوت..... ۱۶.....
- فهرست منابع..... ۱۷.....

## مقدمه

از آنجا که انسان برای تکمیل تعلیمات خویش و پیمودن راه سعادت به الگو نیاز دارد تا برنامه‌ها و روش‌های او را سرمشق قرار دهد قرآن کریم در بسیاری از موارد از الگوهای لایق و شایسته‌ای که در این جهان وجود داشته نمونه و شاهد می‌آورد.

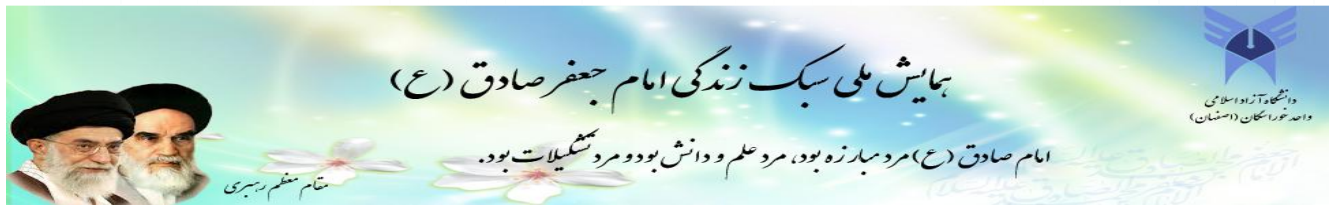
برای مثال رسول گرامی اسلام را به عنوان الگو یاد کرده و می‌فرماید: "برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خداوند در روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند."<sup>۱</sup>

بهترین الگو برای تمام بشر در تمام مراحل زندگی شخص پیامبر صلی الله واله وسلم است از این رو امامان معصوم علیهم السلام را که جانشین آن حضرت هستند و هر یک در زمان خود نمونه‌ی اخلاق تقوا و فضیلت بودند باید سرمشق و الگوی خود قرار دهیم از اوامر و دستورات آنان پیروی کنیم و روش آنان را دنبال کنیم. زیرا سراسر زندگی آنان برای ما الگو و هر عمل آنان برای ما حجت است چرا که آنان به آنچه امر می‌کردند یا از آن نهی می‌کردند خود پایبند بودند.

به هیچ کار نیک و معروفی امر نمی‌کردند جز اینکه خود قبل از دیگران به آن پایبند بودند همچنین از هیچ کار زشت و منکری نهی نمی‌کردند مگر اینکه خود از آن دوری می‌گزیدند.

آشنایی با زندگی پیشوایان اسلام بخصوص آن بخش از مواردی که شامل ویژگی‌های اخلاقی آنان که مربوط به ساختار فکری و رفتاری پیروان ولایت و دوست داران اهل بیت علیهم السلام می‌باشد در راه استیلای اهداف بلند شیعی از ضرورت‌های مهم است.

۱- احزاب/ ۲۱



همچنین اگر زندگی اجتماعی، خانوادگی و حتی انفرادی همراه با اخلاق باشد برخوردار شادی نشاط و شادابی خواهد بود. جامعه و خانواده ای که اخلاق را مراعات نکنند نشاط و شادابی از آن رخت بر خواهد بست. از این رو در اینجا به چند نمونه از ویژگی های اخلاقی و رفتاری امام صادق علیه السلام اشاره می کنیم به این امید که قدم های بلندی در راه استیلاهی اهداف بلند شیعی برداریم انشاءالله :

## ولادت نور

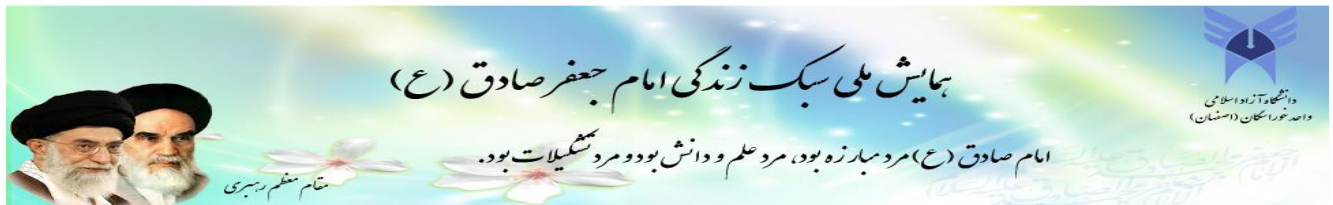
اگر چه بسیاری از نویسندگان ولادت جعفر ابن محمد علیهم السلام را سال هشتاد هجری می نویسند اما بیشتر محققان ولادت حضرت را روز هفدهم ربیع الاول سال هشتاد و سه می نگارند.

در این روز خورشید ولایت تابش دیگر نموده با لبخندی زیبا بر چهره ی جامعه ی بشریت گلی از گلهای باغستان فاطمه را در خانه ی باقر العلوم وام فروه به بار نشانید. در این روز کودکی به دامان ام فروه لبخند زد که وارث رسالت رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم شد و به گونه ای نقش ایفا نمود که مرام رسول الله صلی الله علیه واله وسلم "مذهب جعفری" نام گرفت.<sup>۱</sup>

خدای سبحان هنگامی که نام فرزندان فاطمه سلام الله علیها را انتخاب می کند، نام آنان را در لوحی نهاده توسط جبرئیل در اختیار فاطمه مادرشان قرار می دهد.<sup>۲</sup>

کنیه معروف امام صادق ابو عبدالله است که کنیه امام حسین علیه السلام نیز می باشد لیکن کنیه های دیگری مانند ابو اسماعیل و ابو موسی در مورد حضرت گفته شده.

۱- حبیب الله احمدی، امام صادق الگوی زندگی، ص ۱۸، ناشر فاطیما  
۲- شیخ مفید، الارشاد، قم، ج ۲، ص ۱۵۹



معروف ترین لقب آن حضرت «صادق» می باشد اما عنوان های زیبای دیگری نیز مانند: صابر، فاضل، قاهر، کامل، منجی، فاطر، قائم، کامل و طاهر از القاب آن حضرت می باشد.<sup>۱</sup>

## محضر خدا

نماز امام صادق همراه با خشوع بود که قرآن از آن ستایش میکند: \*قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون\*<sup>۲</sup> آن مؤمنانی که در نمازشان خشوع دارند رستگارند. هنگام آماده شدن برای نماز رنگ رخسار دگرگون می شد، ستون های بدن از خوف خدا به لرزه در می آمد.<sup>۳</sup> در مورد خشوع می فرماید: هنگامی که به نماز می ایستی با حضور قلب باش و با تمام توجه نماز بگذار.<sup>۴</sup> امام صادق علیه السلام سفارش می کند در هر نمازی که اقامه می کنی بر این اندیشه باش که این آخرین نماز است.<sup>۵</sup>

نماز اولین واجب از فروع دینی است که در دین اسلام مقرر شده است و از آقازین روز های تشریح آن هم بصورت جماعت برگزار شده است. اولین نماز جماعت با شرکت دو نفر رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم و حضرت علی علیه السلام و یا سه نفر حضرت محمد صلی الله علیه واله و سلم، امام علی علیه السلام و بانو خدیجه کبری تشکیل شده است.<sup>۶</sup>

۱- مناقب، ج ۴، ص ۲۸۱ به روایت از کتاب امام صادق الگوی زندگی، حبیب الله احمدی

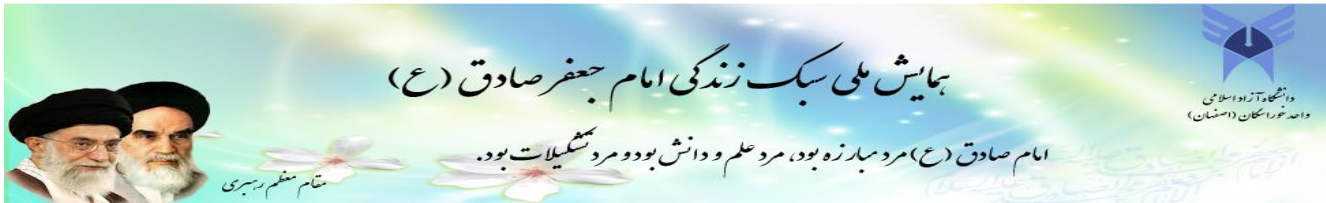
۲- سوره مبارکه مؤمنون آیه ۲

۳- اعلام الهدایه ج ۸، ص ۳۲

۴- همان ص ۲۵۲

۵- محسن فیض کاشانی، مهجة البیضاء ج ۱ ص ۳۵۰ ۷- ص ۳۴۳ ۸- همان

۶- حر عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، المکتبة الاسلامیه، تهران ۱۴۰۳، ج ۴ ص ۳۷۳



امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم روایت می کند شخصی نابینا به رسول الله عدض کرد من در بعضی از اوقات صدای اذان دا می شنوم لیکن کسی نیست که مرا کمک کند تا به مسجد بیایم، حضرت فرمودند: از منزل خود تا مسجد ریسمانی وصل کن تا به وسیله آن به مسجد بیایی.<sup>۱</sup>

حتی امام صادق علیه السلام در مورد شرکت در نماز جماعت اهل سنت فرمود: «کسی که با آنان نماز بخواند همانند این است که در صف اول نماز جماعت رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم شرکت نموده باشد<sup>۲</sup>

## روزه

روزه داری یکی از بهترین راههای کنترل خواهش های نفسانی است. نقش مهم روزه در پاکی انسانها سبب شده که دین اسلام بر روی این موضوع پافشاری کند و به این خاطر پیامبران و امامان بسیاری از ایام عمر را روزه می گرفتند.

در سیره امام صادق نیز اینگونه آمده است که بیشتر روز ها روزه دار بودند.<sup>۳</sup>

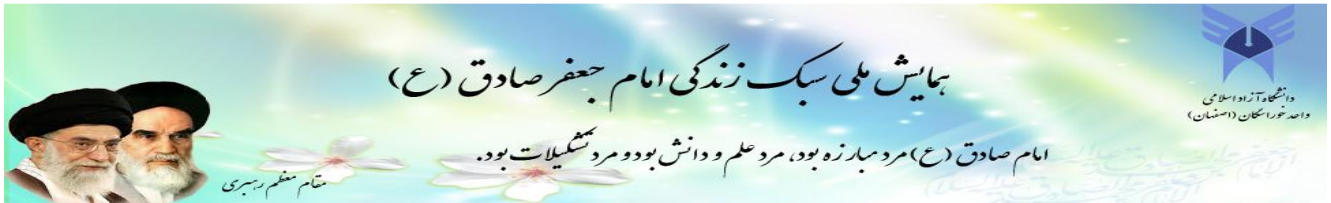
## گذشت

از جمله اخلاق پسندیده و ارزش های والای انسانی چشم پوشی از خطای دیگران و گذشتن از حق خود است و این خصلت را تنها انسان های بزرگ و وارسته دارا هستند. عترت رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم مظهر عفو و گذشت و آینه تمام نمای ارزش های انسانی هستند، صادق آل محمد علیه السلام از معرفی عترت و خویشتن در این راستا این گونه سخن می گوید: «مروت و جوانمردی ما گذشت و عفو از کسانی است که بر حقوق ما ستم روا می دارند.»

این نوع عفو و گذشت سیره و الگو بر همگان است. این سخن امام صادق در مورد کسی است که در سفر حج هزار دینار از او گم می شود، وی که امام همام را نمی شناخته به حضرت گمانه زنی نموده در هنگامی که امام در مسجد نبوی مشغول نماز بود به وی مراجعه نموده و از حضرت دینار های خود را مطالبه می کند. حضرت از وی می پرسد چند دینار بوده می گوید هزار دینار، حضرت هزار دینار را به وی می پردازد. وی هنگامی که بر می گردد دینار

<sup>۱</sup> - روضة الجنان ج ۲ ص ۹۶۳





های خود را پیدا می کند سپس مجدداً به مسجد باز می گردد تا هزار دینار امام را به وی برگرداند امام به وی میگوید ما چیزی را که دادیم پس نمی گیریم. وی می پرسد این شخص کیست؟ می گویند جعفر صادق علیه السلام است آنگاه آن مرد می گویداز همانند این شخص جز این انتظاری نیست.<sup>۱</sup>

## پرهیز از تشریفات

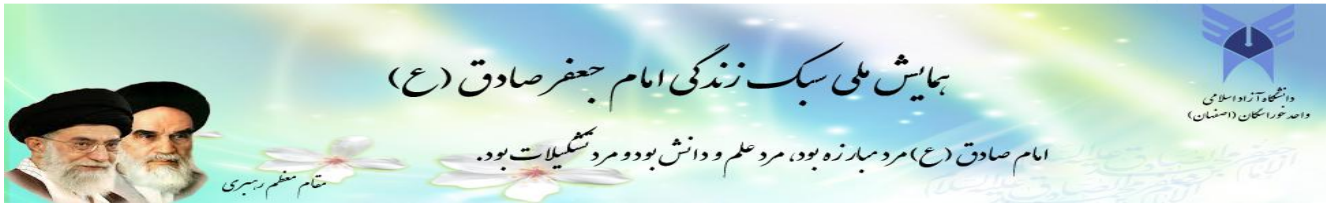
امام صادق علیه السلام داخل حمام می شوند حمامی به جهت رعایت ادب و احترام به شخصیت آن بزرگوار خواست که حمام را برای آن حضرت قرق کند، به امام عرض کرد: آیا اجازه می فرمایید حمام را خلوت کنم؟ این فرمایش امام بدان جهت بود که امام علیه السلام فرمود نیازی به این کار نیست، زیرا مؤمن از این تکلفات و زیاده روی ها به دور است.<sup>۲</sup>

## کسب و کار

خداوند متعال سیر تکاملی جهان و موجودات آن را بر اساس تحرک و کار و کوشش استوار نموده است. دین متعال اسلام نیز که قوانینش بر بنای محکم فطرت بنا شده است به کسب و کار ارج می نهد و پیروان خود را به کار و فعالیت وا می دارد. امام صادق به هشام فرمود: ای هشام اگر روزی دیدی که دو صف (لشکر اسلام و لشکر کفر) به هم رسیدند و تو باید به صف مسلمین پیوندی و جهاد کنی، همین روز دنبال روزی رفتن را ترک مکن.

<sup>۱</sup> - حبیب الله احمدی، امام صادق الگوی زندگی، ص ۸۱

<sup>۲</sup> - مرحوم ثقة الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه آیت الله محمد باقر کمره ای، سال نشر ۱۳۹۰، قم، ناشر: انتشارات اسوه، ج ۶ ص ۵۰۳



از زراره روایت شده است: شخصی حضور امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد من نمی توانم با دست هایم چیزی بردارم، به همین خاطر از کار کردن و عملگی محروم. تجارت هم نمی دانم و با این حال محتاجم. حضرت فرمود: برو کار کن و بار را با سرت حمل کن و از مردم بی نیاز شو، زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم سنگی را بر گردنش حمل کرد و در یکی از دیوارهای باغ خود قرار داد که هم اکنون سنگ در جای خود موجود است و (از نظر بزرگی) معلوم نیست که عمق آن چقدر است.<sup>۱</sup>

شخصی امام صادق علیه السلام را مشاهده کرد که در مزرعه خویش مشغول بیل زدن است و عرق زیادی کرده است آن چنان که پیراهن آن حضرت خیس شده است. شخص با دیدن این منظره به ایشان گفت: اجازه بدهید من این کار را انجام دهم تا شما استراحت فرمائید. امام علیه السلام فرمودند: دوست دارم که مردم برای بدست آوردن روزی خود در برابر آفتاب اذیت ببینند.<sup>۲</sup>

در یکی از روزهای بسیار گرم مدینه فردی در میان کوچه ای با امام صادق علیه السلام رو برو شد او که آن حضرت را می شناخت نزدیک شد و به حضرت گفت: شما با این مقام و منزلتی که نزد خدا دارید و با نسبتی که با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم دارید چرا در این روز گرم در چنین حالی از خانه بیرون آمدید؟ حضرت فرمود: در طلب روزی خویش بیرون آمدم تا به مانند تو محتاج نباشم.<sup>۳</sup>

## علم و دانش

اهل بیت مظهر دانش الهی بودند و با اذن خدا از همه چیز و همه جا، گذشته و آینده با خبر می شدند. امام صادق علیه السلام فرمود: در نزد ما آگاهی هایی است که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل و حتی مؤمنی که قلب او را خدا امتحان نموده بر نمی تابد.<sup>۴</sup>

## لباس پوشیدن

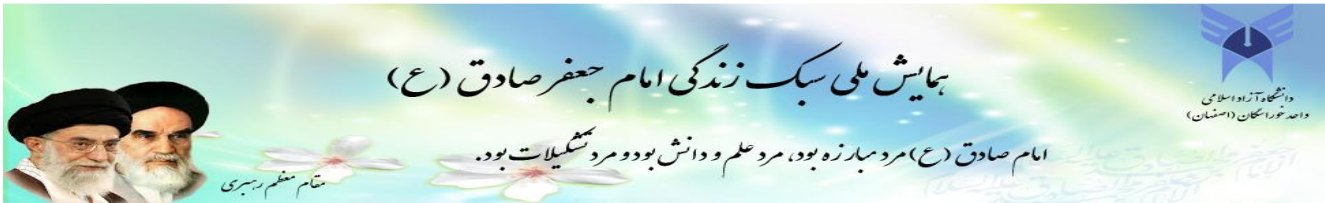
در لباس پوشیدن هم ظاهر را حفظ می کرد و هم توانایی مالی را و می فرمود: «بهترین لباس در هر زمان، لباس معمول مردم همان زمان است.» هم لباس نو می پوشید و هم لباس وصله دار. هم لباس گران قیمت می پوشید و هم لباس کم بها و می فرمود: «اگر کهنه نباشد، نو هم نیست.» لباس کم بها و زبر را زیر و لباس نرم و گران قیمت را روی

۱- حامد فدوی اردستانی، ویژگی های امام صادق، الخصائص الصادقیه، ناشر: المكتبة المرتضویة، سال ۱۳۸۶، ص ۹۲

۲- الکافی ج ۵ ص ۷۶، بحار الانوار ج ۴۷ ص ۵۷

۳- الکافی ج ۵ ص ۷۴، وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۰

۴- ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، قم، مکتبة الطباطبایی ج ۴ ص ۲۵۰



آن می پوشید و چون «سفیان ثوری» زاهد به وی اعتراض کرد که «پدرت علی (علیه السلام) لباسی چنین و گرانبها نمی پوشید» فرمود: «زمان علی (علیه السلام) زمان فقر و ناداری بود و اکنون همه چیز فراوان است. پوشیدن آن لباس در این زمان لباس شهرت است و حرام خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد و چون به بنده اش نعمتی می دهد، دوست دارد بنده اش آن را آشکار کند.

سپس آستین را بالا زد و لباس زیر را که زبر و خشن بود، نشان داد و فرمود: «لباس زبر و خشن را برای خدا پوشیده ام و لباس روئین را که نو و گرانبها است برای شما.» هنگام احرام و انجام فریضه حج برد سبز می پوشید و به گاه نماز پیراهن زیر و خشن و پشمین. لباس سفید را بسیار دوست داشت و چون به دیدن دیگران می رفت آن را برتن می کرد. نعلین زرد می پوشید و به کفش زرد رنگ و سفید علاقه مند بود.<sup>۱</sup>

## مهمان نوازی

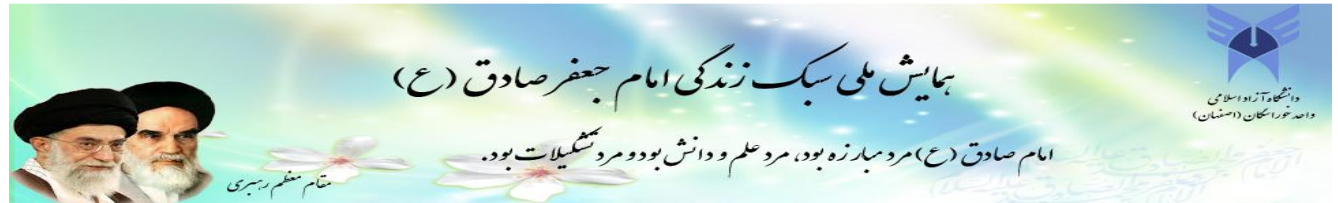
در سیره انسان های والا مهمان نوازی به عنوان یک ارزش الهی و انسانی جلوه گر است. در مورد امام مجتبی علیه السلام مهمان نوازی و سفره حضرت زبان زد همگان است. در مورد امام سجاد علیه السلام آمده است که دیگ غذا را که آماده ساخت، از همه مهمانان و دیگران پذیرایی نمود، حتی برای شخص حضرت یک پرس غذا هم باقی نماند.

اینک این صفت پسندیده در مورد امام صادق علیه السلام این گونه از رفتار وی متجلی است که حضرت با رویی گشاده و روحی سخی مهمان را می پذیرد و از آنان نیکو پذیرایی می نماید و به آنان اصرار می ورزد تا بدون هیچ گونه شرم و حیا به مقدار کافی از سفره حضرت بهره مند شوند. و حتی به مهمانان اظهار می دارد کسی ما را بیشتر دوست دارد که از این سفره بیشتر تناول کند و بیشتر بهره مند شود، اشد کم حبا لنا اشد کم اکالا.

و کان یأمر فی کل یوم بوضع عشر ثنات من الطعام، یتغدی علی کل ثبئه عشره. «حضرت هر روز دستور می داد ده ظرف غذا که در هر کدام ده نفر صبحانه می خورند برای دیگران صبحانه فراهم کنند.» روح مهمان نوازی و سخی حضرت این گونه الگوی علاقه مندان می باشد.<sup>۲</sup>

## کمک به فقرا

۱- محمد الله اکبری، امام صادق را بهتر بشناسیم، برگرفته از ماهنامه کوثر  
۲- حبیب الله احمدی، امام صادق الگوی زندگی ص ۸۳



ما عذب الله امه الا عند استهانتهم بحقوق فقراء اخوانهم.<sup>۱</sup>

خداوند متعال هیچ امتی را جز به سبک شمردنشان حقوق فقرای برادرانشان، عذاب نفرمود.

روزی معلی بن خنیس امام صادق علیه السلام را در هوای بارانی دید که با انبانی بر دوش، به سوی ظله بنی ساعده به راه افتاده است که در بین راه چیزی به زمین افتاد و حضرت با ذکر الهی از پروردگار متعال خواست که آنرا به او برگرداند؛ از اینرو معلی نزد حضرت آمد و وقتی امام علیه السلام معلی را دید، از او خواست که در تاریکی شب دستش را روی زمین گذاشته و اگر چیزی را یافت، به حضرت بدهد.

معلی دست روی زمین گذاشت و نان خشکی را پیدا کرد و به حضرت داد و از امام خواست که اجازه دهد آن انبان را او حمل کند و لیکن حضرت فرمود: «من به اینکار سزاوارتر از شما هستم و لیکن با من بیا.»

معلی با امام به راه افتاد و ناگهان به عده ای در حال خواب در ظله ی بنی ساعده برخورد کردند و حضرت قرص نانی بر بالین هر کدام گذارد؛ در اینحال معلی پرسید: «جانم فدایتان؛ آیا ایشان حق را می شناسند؟»

امام فرمود: «نه خیر؛ اگر حق را می شناختند، برایشان نمک نیز می آوردم.»<sup>۲</sup>

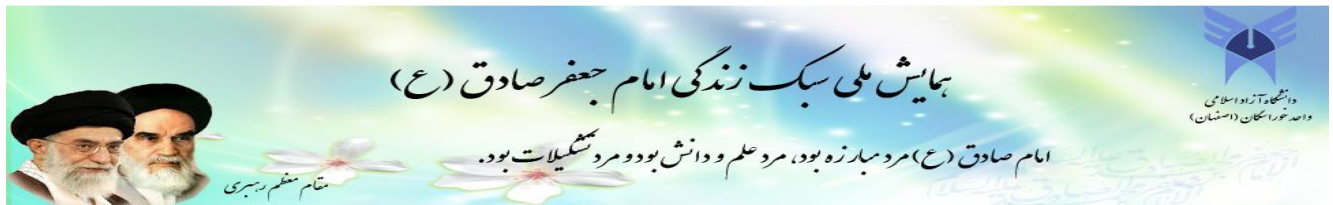
## شمه ای از عبودیت امام

«مالک» پیشوای بزرگ فرقه ی مالکی می گفت: «مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می کردم، او را همواره در

یکی از سه حالت می دیدم:

یا نماز می خواند، یا روزه بود و یا قرآن تلاوت می کرد و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند.<sup>۳</sup>  
در علم و عبادت و پرهیزکاری، برتر از جعفر بن محمد هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است. او بزرگترین عبادت کنندگان و پرهیزکاران بود و در زمره ی آنانی بود که پیوسته از خداوند متعال در خوف و خشیت بودند.»

۱- شیخ ابو محمد حرانی، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، چاپ چهارم: سال ۱۳۸۴، قم، ص ۳۱۴  
۲- محمد حسین مهر آیین، صبح صادق، ناشر: مهدی یار، سال ۱۳۸۵  
۳- ابن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر ج ۱ ص ۸۸



## بهترین معلم دنیا

دوران ۳۴ ساله امامت امام صادق علیه السلام فرصتی طلایی بود تا تشنه کامان معارف ناب الهی را از سرچشمه زلال وحی سیراب سازد. و در این خلال، برخورد های آن حضرت با گروه های دگر اندیش سازنده و آموزنده بود. هنگامی که مفضل علیه زندیقی عتاب آمیز صحبت کرد آن زندیق نتوانست تعجب خود را پنهان کند و گفت: گمان نمی برم شما از حلقه شاگردان جعفر صادق باشید چرا که ایشان رفتاری بس ملایم تر و خوشایند تر از این جوش و خروش شما دارد.

آن حضرت که با مخالفان این نوع برخورد کریمانه را دارد به یقین با اصحاب و شاگردان خویش رفتاری والاتر از این خواهد داشت. او سال ها بر کرسی درس و منبر پیامبر قرار گرفت و هزاران شاگرد را در مکتب خود تربیت کرد.<sup>۱</sup>

## تشویق و تکریم شاگردان

تاریخ پر بار زندگی امام صادق علیه السلام نشان می دهد که آن حضرت چه در حضور و چه در غیاب شاگردان و یاران شایسته خود نسبت به آنان تعبیرات زیبایی دارد که نشانگر تشویق آنها و احترام به آنها است. به عنوان مثال ابان ابن تغلب می گوید از پدرم شنیدم که می گفت: به اتفاق پدرم خدمت امام صادق رسیدیم همین که نگاه امام به پدرم افتاد دستور داد بالمش برای پدرم نهادند و با پدرم مصافحه و معانقه کرد و به او خوش آمد گفت.<sup>۲</sup> و یا هشام بن محمد السائب الکلبی که امام علیه السلام نسبت به او بسیار عنایت داشت به گونه ای که هر گاه بر حضرت وارد می شد امام صادق علیه السلام او را نزد خود می نشاند و با او با گشاده رویی و نشاط سخن می گفت.<sup>۳</sup>

## انس با شاگردان

منظور از انس با شاگردان مراد، دید و بازدید و شرکت در مجالس آنهاست. به این معنی که آن حضرت دیدار با ایشان را دوست می داشته و دوری آنان باعث دلنگی حضرت می شد.

۱-سایت تبیان

۲-رجال نجاشی، قم، ص ۸

۳-حاج شیخ عباس قمی، منتهی الامال، قم، ج ۲ ص ۱۷۹

## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد شکیلات بود.

غبسه می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: من از دست مردم مدینه و تنهایی خودم به خدا شکایت می کنم تا این که شما بر ما وارد شوید و از ورود شما شادمان می شوم. ای کاش این طاغیه (منصور دوانقی) مرا آزاد می گذاشت که خانه ای بگیرم و در آن سکونت کنم و شما را نیز همراه خود در آن جای دهم.<sup>۱</sup> با خطاب به ابو حمزه می گفت: ای ابو حمزه از دیدار شما آرام می شوم.<sup>۲</sup> و یا وقتی که عقبه ابن خالد و عثمان ابن عمران بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند حضرت فرمود خوش آمدید، خوش آمدید، ای کسانی که ما را دوست دارند و ما آن ها را دوست داریم و سپس فرمود: «جعلکم الله معنا فی الدنيا و الاخرة».<sup>۳</sup>

## لباس کهنه

نگاهم را از او بر نمی داشتم. دوست داشتم همین طور سخن بگویم. سخنانش شیرین و جذاب و سراسر حکمت بود. موقع صحبت به همه نگاه می کرد و نگاهش را یک جا متمرکز نمی کرد. غرق در شنیدن صحبت های گهربارش بودم که ناگهان چشمم به یقه ی پیراهنش افتاد. تمام هوش و حواسم متوجه آن شد.

هر بار که رویش را به طرف من بر می گرداند نگاهم را از آن نقطه بر می داشتم تا مسیر نگاه مرا تشخیص ندهد. اما او نیز از نگاه های من متوجه شده بود که چه چیزی توجه مرا جلب کرده است. این را از چشمانش خواندم. حاضران پس از اتمام سخنانش یک یک برخاستند و رفتند، من نیز برخاستم. گفت: تو بمان. نشستم و گفتم: در خدمتم.

- چرا این طور با تعجب نگاهم می کردی، چیزی شده؟

- ای آقا، جسارت نباشد، ولی به یقه پیراهن تان نگاه می کردم، خیلی تعجب کردم که شما پیراهن وصله دار پوشیده اید، آن هم وصله در یقه اش که کاملاً نمایان است.

- به نظرت اشکال دارد؟

- چه عرض کنم، شما هر چه باشد استاد ما هستید و شاگردان زیادی به حضورتان می رسند. با این پیراهن در جلو مردم ظاهر شدن شاید خوب نباشد، از آن گذشته شما که می توانید پیراهن تازه ای بخرید.

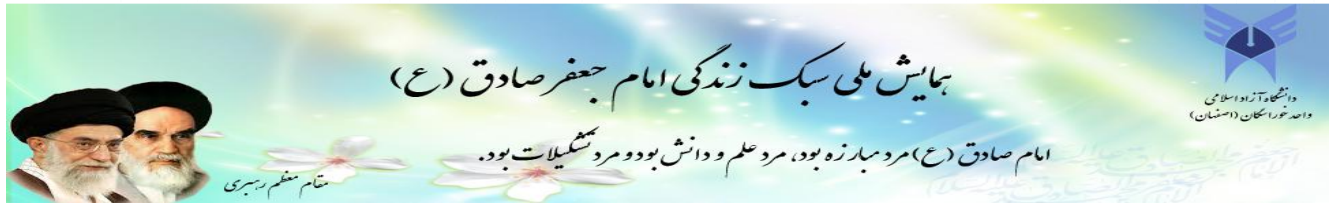
امام صادق علیه السلام لبخند زد و کتابی که کنار دستش بود به من داد و گفت «بخوان و ببین چه نوشته است».

کتاب را برداشتم و ورق زدم. چشمم به نوشته ای افتاد. امام گفت «همان جا را بخوان» نوشته بود:

۱- حاج شیخ عباس قمی، سفینة البحار ج ۲ ص ۲۱

۲- شاگردان مکتب ائمه ص ۱۰۰

۳- تنقیح المقال ج ۲ ص ۱۷۹، به نقل از سایت تبیان



«ایمان ندارد کسی که حیا ندارد، مال ندارد کسی که در معاش خود تقدیر و اندازه نگه ندارد و نو ندارد کسی که کهنه ندارد...» .

بعد از خواندن، به امام نگاه کردم و گفتم «اگر خسته نیستید برایم توضیح دهید که منظور از اینها چیست، بیشتر بدانم بهتر است» . آن گاه امام با حوصله به توضیح آن مطالب پرداخت و مرا کاملاً متوجه کرد. وقتی از حضورش خداحافظی کردم از خجالت عرق شرم بر پیشانی‌ام نشسته بود. من کجا و نصیحت امام کجا؟ او همه‌ی سخنان و حرکاتش برای ما درس بود، حتی وقتی لباس کهنه‌ای پوشیده بود.<sup>۱</sup>

## به سخن آمدن گوشت تذکیه نشده

سعد اسکاف می‌گوید: روزی همراه امام صادق علیه‌السلام بودم که مردی از اهالی جبل، وارد شد، و هدایایی نیز با خود آورده بود، که در میان آنها کیسه‌ای پر از گوشت خشک، همراه با سبزی خشک بود. حضرت آن را بیرون آورد و فرمود: «اینها را بگیر و به سگها بده.»

آن مرد گفت: «چرا؟» حضرت فرمود: «چون تذکیه نشده است.»

آن مرد گفت: «آن را از مرد مسلمانی خریده‌ام که می‌گفت تذکیه شده است.»

امام صادق علیه‌السلام گوشتها را به کیسه برگرداند و چیزهایی گفت که نفهمیدیم. بعد به آن مرد گفت: «برخیز و آن را به این اطاق ببر و در گوشه‌ای قرار بده.» آن مرد نیز چنان نمود. ناگهان گوشت به سخن در آمد و گفت «ای ابو عبدالله! امام و فرزندان انبیاء مانند مرا نمی‌خورند چون من تذکیه نشده‌ام.» پس آن مرد، کیسه را برداشت و از اطاق بیرون آمد. آنگاه حضرت پرسید:

«آن گوشت چه می‌گفت؟» او گفت: «آنچه که شما خبر داده بودید را بیان کرد و گفت که تذکیه نشده‌ام.»

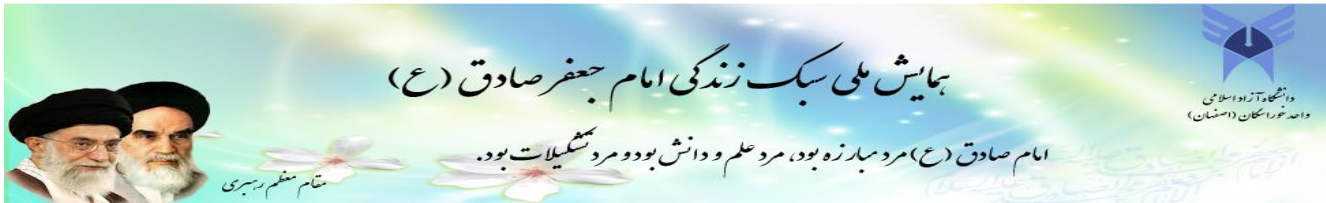
حضرت فرمود: «ای ابوهارون! آیا نمی‌دانی آنچه را که مردم نمی‌دانند ما عالم به آن هستیم؟» گفتم: «بلی.»

پس آن مرد گوشت را برداشت و جلو سنگ انداخت.<sup>۲</sup>

## فقط خدا

«ابن ابی‌یعفور» گوید: جعفر بن محمد علیه‌السلام را دیدم که با حالتی معنوی دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و در حالی که از سوز دل اشک می‌ریخت این دعا را می‌خواند:

۱ - مهدی، محدثی، حیات پاکان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، چاپ: دفتر تبلیغات اسلامی، ناشر: بوستان کتاب  
 ۲ - واحد تحقیقاتی گل نرگس، عجایب و معجزات شگفت انگیزی از زندگی امام صادق، سال ۱۳۸۶، ناشر: شاکر



«رب لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء، لا اقل من ذلک و لا اکثر».

«بار پروردگارا! مرا به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن به حال خود رها مکن.»

سپس به من فرمود: «خداوند به اندازه‌ی کمتر از یک چشم بر هم زدن یونس پیغمبر را به حال خود وا گذاشت و او مرتکب گناه دوری از قومش شد و از همین رو مدتها دچار گرفتاری در شکم ماهی شد.»

عرض کردم: «مگر کار یونس علیه‌السلام به کفر منجر شده بود؟»

فرمود: «نه، ولی بدان، هر آن کس که خداوند او را به حال خود رها کند هلاک شده است»<sup>۱</sup>.

## کار و تلاش و دستگیری از مستمندان

امام صادق (ع) نه تنها دیگران را دعوت به کار و تلاش می‌کرد، بلکه خود نیز با وجود مجالس درس و مناظرات و... در روزهای داغ تابستان، در مزرعه‌اش کار می‌کرد. یکی از یاران حضرت می‌گوید: آن حضرت را در باغش دیدم، پیراهن زبر و خشن برتن و بیل در دست، باغ را آبیاری می‌کرد و عرق از سر و صورتش می‌ریخت، گفتم: اجازه دهید من کار کنم. فرمود: من کسی را دارم که این کارها را بکند ولی دوست دارم مرد در راه به دست آوردن روزی حلال از گرمی آفتاب آزار ببیند و خداوند ببیند که من در پی روزی حلال هستم.

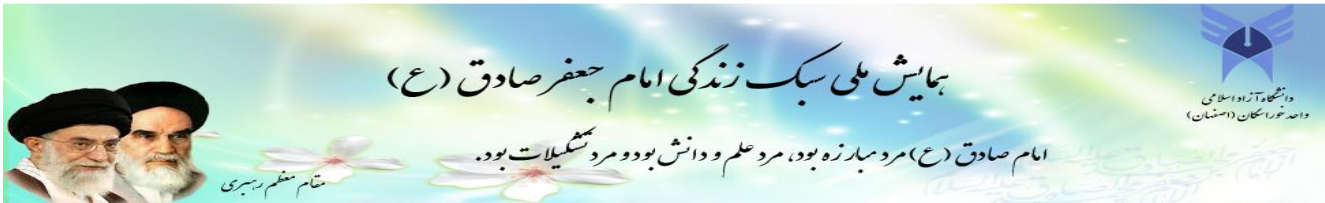
حضرت در تجارت نیز چنین بود و بر رضایت خداوند تاکید داشت. لذا وقتی کار پرداز او که با سرمایه‌ی امام برای تجارت به مصر رفت و با سودی کلان برگشت، امام از او پرسید: این همه سود را چگونه به دست آورده‌ای؟ او گفت: چون مردم نیازمند کالای ما بودند، ما هم به قیمت گزاف فروختیم. امام فرمود: سبحان الله!

علیه مسلمانان هم پیمان شدید که کالایان را جز در برابر هر دینار سرمایه یک دینار سود ن فروشید! امام اصل سرمایه را برداشت و سودش را نپذیرفت و فرمود: ای مصادف! چکاچک شمشیرها از کسب روزی حلال آسانتر است..

حقیقت این است که امام (ع) در نهایت علاقه به کار و تلاش، هرگز فریفته درخشش درهم و دینار نمی‌شد و می‌دانست که بهترین کار از نظر خداوند تقسیم‌داری خود با نیازمندان است، حقیقتی که ما هرگز از عمق جان بدان ایمان عملی نداشته و نداریم. امام خود درباره باغش می‌فرمود: وقتی خرماها می‌رسد، می‌گویم دیوارها را بشکافند تا

<sup>۱</sup> - سید علی حسینی قمی، کرامات و مقامات عرفانی امام جعفر صادق، چاپ ششم ۱۳۸۵، ناشر: نبوغ





مردم وارد شوند و بخورند. همچنین می‌گوییم ده ظرف خرما که بر سر هر یک ده نفر بتوانند بنشینند، آماده سازند تا وقتی ده نفر خوردند، ده نفر دیگر بیایند و هر یک، یک مد خرما بخورند. آن گاه می‌خواهم برای تمام همسایگان باغ (پیرمرد، پیرزن، مریض، کودک و هرکس دیگر که توان آمدن به باغ را نداشته)، یک مد خرما ببرند. پس مزد باغبان و کارگران و... را می‌دهم و باقی مانده محصول را به مدینه آورده بین نیازمندان تقسیم می‌کنم و دست آخر از محصول چهار هزار دیناری، چهارصد درهم برایم می‌ماند.<sup>۱</sup>

## از غنا پرهیزید

حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: اگر خدا برای بنده‌اش خیر بخواهد، دلی متوجه به خدا به او می‌دهد و توفیق خواستار شدن زوجه‌ی صالحه و شایسته.

و از عبدالله بن ابی‌بکر بن محمد در حدیثی طولانی نقل می‌کند که گفت:

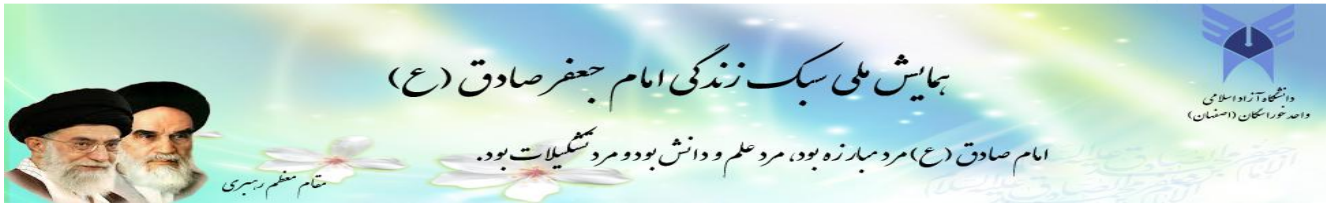
شنیدم که کنیز همسایه‌ام می‌خواند و می‌زند؛ ساعتی ایستاده و گوش کردم، سپس رفتم. هنگام شب خدمت حضرت صادق علیه‌السلام رفتم، هنگامی که با من روبرو شد فرمود: از غنا پرهیزید، از غنا پرهیزید؛ از گفتار باطل پرهیزید. پس من فهمیدم که منظور حضرت من هستم.<sup>۲</sup>

## بخشش و سخاوت

امام صادق (ع) به مُعلی می‌فرمود: با صلّه و بخشش، علاقه و محبت مردم را به سوی خود جلب کن؛ زیرا خداوند عطا و بخشش را رمز مهر و محبت و تنگ نظری و بخل را کلید عداوت و دشمنی قرار داده است. به خدا سوگند! اینکه شما چیزی از من بخواهید و من آن را به شما بدهم، نزد من دوست داشتنی‌تر از آن است که چیزی از من نخواهید و من هم چیزی به شما ندهم و در نهایت، نسبت به من احساس کینه و دشمنی کنید. امام هدیه‌ها و بخششهای زیاد و کلان به مردم می‌داد، بطوریکه شخص بینوا پس از دریافت صلّه و عطای امام

۱- محمد ابو احسان، نگاهی به سیره امام صادق، برگرفته از ماهنامه کوثر، شماره ۴۰.

۲- حبیب الله اکبرپور، معجزات امام جعفر صادق، چاپ دوم ۱۳۸۳، ناشر: الف، ص ۱۹۰.



احساس نیاز و تنگدستی نمی‌کرد. اینک فرازهائی از آن را می‌آوریم.  
روزی امام یکجا مبلغ چهارصد درهم به بینوایی داد و او آن مبلغ را گرفت و سپاس گویان رفت. امام به خدمتکارش فرمود که آن بینوا را دوباره پیش امام بیاورد.

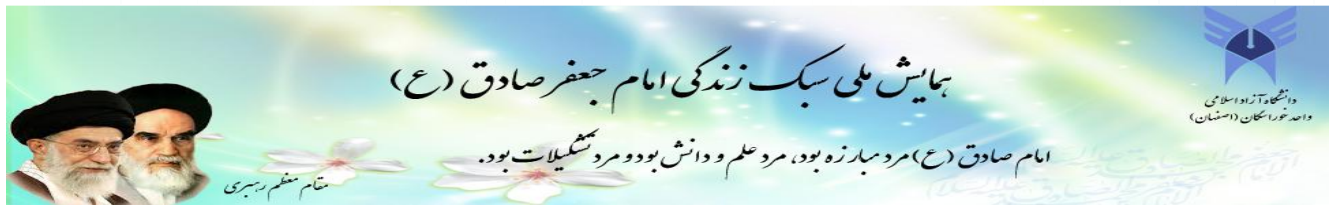
مرد بینوا عرضه داشت: ای سرور من! از شما کمک خواستم، شما هم که دادید. دوباره مرا برای چه خواستید؟ امام: رسول خدا فرمود: «بهترین صدقه، احسان، صله و بخشش آن است که طرف را بی نیاز کند»، و ما آنقدر ندادیم که تو کاملاً غنی و بی نیاز گردی. بیا، این نگین انگشتری را هم بگیر و دقت کن که برای آن ده هزار درهم قیمت گذاشته شده است؛ اگر روزی نیاز پیدا کردی آن را به همین قیمت بفروش.  
به گمان من امام صادق (ع) برای اینکه آن مرد، مرحمتی امام را سپاس گفت و شکر گزاری نمود لذا دوباره صله دیگر به او داد؛ زیرا زبان شکر و سپاس از انگیزه‌های افزایش نعمت است.  
در موردی دیگر، امام به سائلی که ابتدائاً فقط سه حبه انگور داده بود، بعد به وی دو مشت پر و سپس بیست درهم و در آخر یک پیراهن افزون داد. چون او با دریافت اولین صله و احسان، حمد خدا را بجای آورده و قانع شده بود، امام هم آنقدر به او صله داد که او از ستایش و دعا برای امام خسته شد و باز ایستاد.<sup>۱</sup>

## فهرست منابع:

### \*قرآن کریم

۱. اکبر پور، حبیب الله، معجزات امام جعفر صادق، چاپ دوم: ۱۳۸۳، ناشر: الف.
۲. ابو احسان، محمد، برگرفته از ماه نامه کوثر شماره ۴۰.
۳. اعلام الهدایه.
۴. العسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، انتشارات دارالفکر، بیروت.
۵. احمدی، حبیب الله، امام صادق الگوی زندگی، سال ۱۳۸۵، ناشر فاطیما.
۶. اکبری، محمد الله، امام صادق را بهتر بشناسیم، برگرفته از ماهنامه کوثر.
۷. حرانی، شیخ ابو محمد، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ دوم سال ۱۳۸۴، انتشارات آل علی، قم.
۸. حسینی قمی، سید علی، کرامات و مقامات عرفانی امام جعفر صادق، چاپ سوم ۱۳۸۵، ناشر: نبوغ.
۹. حر عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، المکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۲
۱۰. کلینی، مرحوم ثقة الاسلام، اصول کافی، ترجمه: آیت الله محمد باقر کمره ای، سال نشر: ۱۳۹۰، انتشارات اسوه.
۱۱. روضة الجنان.

<sup>۱</sup> -سایت شهید آوینی: avini.com



۱۲. سایت تبیان.

۱۳. سایت شهید آوینی [www.avini.com](http://www.avini.com)

۱۴. فیض کاشانی، محسن، مهجۀ البيضاء.

۱۵. فدوی اردستانی، حامد، ویژگی های امام صادق (الخصائص ال صادقیه)، ناشر: المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۶

۱۶. قمی، حاج شیخ عباس، منتهی الامال، قم.

۱۷. محدثی، مهدی، حیات پاکان، چاپ دوم ۱۳۸۵، چاپ: دفتر تبلیغات اسلامی، ناشر: بوستان کتاب.

۱۸. مهر آیین، محمد حسین، صبح صادق، ناشر: مهدی یار، ۱۳۸۵

۱۹. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مکتبۀ الطباطبائی، قم.

۲۰. واحد تحقیقاتی گل نرگس، عجایب و معجزات شگفت انگیزی از زندگی امام صادق، ۱۳۸۶، ناشر: شاکر.